

A comparative study of the effects and consequences of Yavardeh subculture in the villages of Gilan and Markazi provinces with emphasis on some elements of Rogers peasant subculture

**Abstract**

The aim of this study was to compare the effects and consequences of Yavardeh subculture in the villages of Gilan and Markazi provinces with emphasis on some elements of Rogers peasant subculture. Because the helper is very important because it is in the category of subcultures. But with regard to the subject, the research method of this research is qualitative and in this regard, the ethnographic method with a sociological approach has been used. The technique of data collection was interview, note-taking and observation (field research). In this regard, the study population in Gilan province included farmers in 11 villages and the study population in Markazi province also included 11 villages. Accordingly, the selected samples are as follows: 24 villagers participating in the interview, from Gilan province and 23 villagers interviewed, from Markazi province, and the samples were selected based on the presence of helpers in a village. , In other words, purposeful sampling has been used; The results are inconsistent with the findings, character and behavior of rural villagers in Gilan and Markazi provinces with the elements in the Rogers peasant subculture, including lack of empathy, distrust, dependence on government and lack of acceptance of innovation. Not only is it not an obstacle to development, but it will be a kind of ground for development.

**Keywords:** Gilan, village, development, subculture, central

## بررسی تطبیقی اثرات و پیامدهای خرده فرهنگ یاوردهی در روستاهای استان های گیلان و مرکزی با تأکید بر برخی عناصر خرده فرهنگ دهقانی راجرز

عبدالرضا فدایی فرقان<sup>۱</sup>

اسماعیل جهانبخش<sup>۲</sup>

اصغر محمدی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی اثرات و پیامدهای خرده فرهنگ یاوردهی در روستاهای استان گیلان و مرکزی با تأکید بر برخی عناصر خرده فرهنگ دهقانی راجرز، انجام شده است. چرا که یاوردهی چون در حیطه مقوله خرده فرهنگ ها جای می گیرد از اهمیت بسزایی برخوردار است. و اما با نگرش به موضوع، روش تحقیق این پژوهش، کیفی بوده و در این خصوص از روش اتنوگرافی<sup>۱</sup> با رویکرد جامعه شناسی استفاده شده است. تکنیک جمع آوری اطلاعات نیز، مصاحبه، یادداشت برداری و مشاهده (تحقیق میدانی) بوده است. در این زمینه جمعیت مورد بررسی در استان گیلان شامل کشاورزان ۱۱ روستا و جمعیت مورد مطالعه در استان مرکزی نیز شامل ۱۱ روستا بوده اند. براین اساس، نمونه های انتخاب شده، بدینگونه اند: ۲۴ نفر از روستاییان شرکت کننده در مصاحبه، از استان گیلان و ۲۳ نفر از روستاییان مصاحبه شونده، از استان مرکزی و نمونه ها بر اساس وجود افراد یاورده (یاریرگر) در یک روستا، گزینش شده اند، به تعبیری از نمونه گیری هدفمند استفاده شده است؛ که نتایج حاصله بدین قرار است با نگرش به یافته ها، منش و رفتار روستائیان همیار در استان های گیلان و مرکزی با عناصر مطروحه در خرده فرهنگ دهقانی راجرز از جمله فقدان همدلی، عدم اعتماد، وابستگی به دولت و عدم پذیرش نوآوری مغایرت داشته و ناسازگار است و نه تنها از موانع توسعه به حساب نمی آید، بلکه به نوعی زمینه ساز توسعه خواهد بود.

**کلید واژگان:** گیلان، روستا، توسعه، خرده فرهنگ یاوردهی، مرکزی

. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان بررسی تطبیقی خرده فرهنگ یاوردهی و اثرات و پیامدهای آن در روستاهای استان های

گیلان و مرکزی است که در گروه جامعه شناسی واحد دهقانان، دانشگاه آزاد اسلامی دهقانان، ایران تدوین شده است

دانشجوی دکتری تخصصی جامعه شناسی، گروه جامعه شناسی واحد دهقانان، دانشگاه آزاد اسلامی دهقانان، ایران<sup>۱</sup>

استاد راهنما، (نویسنده مسئول) گروه جامعه شناسی واحد دهقانان، دانشگاه آزاد اسلامی دهقانان، ایران.<sup>۲</sup>

استاد مشاور گروه جامعه شناسی واحد دهقانان، دانشگاه آزاد اسلامی دهقانان، ایران.<sup>۳</sup>

## مقدمه

قرن‌های متمادی انسان‌های زیادی با فرهنگ‌های متفاوت و گوناگون پا به عرصه حیات دنیوی گذاشته و روزی زندگی این جهانی را ترک کرده‌اند، اما آنچه که در این میان خود را حفظ نموده، تفکر همراهی و همکاری در امور زندگی انسانی بوده است. در این میان عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز در چگونگی روند همراهی‌ها تأثیرگذار بوده، و به تبع آن خرده فرهنگ‌های موجود هر جامعه با نگرش به‌هم‌نوایی یا ناسازگاری با فرهنگ یک جامعه، مهم ارزیابی شده‌اند؛ فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها، بنا به گفته صاحب‌نظران تا بدانجا مؤثر بوده‌اند که رشد و ترقی یا عقب ماندگی جوامع متأثر از آن‌ها قلمداد شده و حیطة توجه به امور فرهنگی و اجتماعی جایگاهی در خور توجه و مهمی در مکاتب گوناگون از جمله نوسازی پیدا کرد. در این بین، چگونگی تأثیر پذیری مقوله‌ای چون توسعه از عوامل فرهنگی و خرده فرهنگ‌ها نیز، مورد بحث‌های گوناگون و متفاوتی قرار گرفت. که از موارد مطروحه در این خصوص (خرده فرهنگ و توسعه) نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز بود که مورد ارزیابی و آزمون اندیشمندان قرار گرفت چرا که او خرده فرهنگ مذکور را از موانع توسعه قلمداد می‌کرد. البته همه اندیشمندان معتقدند که عامل فرهنگ از جایگاه ویژه‌ای در توسعه برخوردار است و بی‌توجهی و کم‌توجهی به آن، تمام برنامه‌های توسعه را با ناکامی مواجه خواهد کرد، بنابراین باید به صورت خاص رابطه فرهنگ و توسعه را شناخت و در برنامه‌های توسعه، آن را مورد توجه کافی قرار داد (شرفی، ۱۳۸۸: ۱۸) حال گفتنی است با نگرش به مستندات کتبی و شفاهی موجود در خصوص خرده فرهنگ‌ها، چنین در می‌یابیم که از دیرباز، خرده فرهنگی به نام یاوردهی نیز، در روستاهای استان گیلان جایگاه ارزشمندی داشته است و این رویکرد نه فقط در این استان بلکه در استان‌های دیگر کشورمان از جمله استان مرکزی با نام‌های متفاوتی همچون هیاره یا مردا مرد، قابل مشاهده است که در این پژوهش با بررسی تطبیقی اثرات و پیامدهای خرده فرهنگ‌های مطروحه در استان‌های گیلان و مرکزی، پیامدهای موجود آن با برخی عناصر مطروحه راجرز مورد کنکاش و بررسی قرار می‌گیرد.

## بیان مسئله

مقوله‌های فرهنگ و خرده فرهنگ و ضرورت وجودی آنان از مواردی می‌باشد که مختص به زمان و مکان خاصی نمی‌باشد، یکی از ویژگی‌های مهم فرهنگ که اندیشمندان بر روی آن اتفاق نظر دارند، آن است که فرهنگ، عاملی برای انسجام و یکپارچگی محسوب می‌شود، از طرفی بعضی از صاحب‌نظران، فرهنگ را در مقوله توسعه یا عدم توسعه نیز، نقش آفرین می‌دانند. ناگفته نماند که کارکرد‌های مناسب خرده فرهنگ‌ها نیز به تبعیت از فرهنگ، چنین ویژگی‌ها و نقش‌هایی را در جوامع کوچکتر، از جمله قوم‌ها، گروه‌ها، مشاغل و ..... به نمایش می‌گذارند، بنابراین، به عنوان مثال، چنانچه اثرات و پیامدهای خرده فرهنگی، ایجاد وفاق و همبستگی اجتماعی باشد و یا در بعدی دیگر مانع یا زمینه‌ساز توسعه باشد، به یقین، در صورت مثبت بودن آثار یک خرده فرهنگ، کمرنگ شدن یا منسوخ شدن آن، مساوی با از دست رفتن بخشی از سرمایه‌های اجتماعی، و یا عقب ماندگی در آن منطقه خواهد بود؛ البته مقوله سرمایه اجتماعی که از آن سخن به میان آمد به دلیل چند بعدی بودن، و ارتباط با توسعه، از موارد ارزنده و با اهمیت برای هر جامعه‌ای محسوب می‌شود چرا که سرمایه اجتماعی به نوبه خود، عامل مؤثری در افزایش کارایی سایر اشکال سرمایه، شامل سرمایه انسانی، سرمایه اقتصادی و سرمایه کالبدی است (ذکایی و روشنفکر، ۱۳۸۷: ۴۰-۳۸). در جای‌جای کشور عزیزمان با نگرش به تفاوت‌های قومی، و خرده فرهنگ‌ها، وفور خرده فرهنگ‌هایی که کارکرد مناسب را در منطقه خود رقم می‌زنند کم نیستند، اما آنچه مهم و قابل توجه می‌باشد، شناخت اثرات و پیامدهای آنان

در زمان کنونی، بررسی وضعیت فعلی نسبت به گذشته، و چگونگی تاثیرات آن بر روند زندگی انسان ها است، لذا در این پژوهش با نگرش به اثرات و پیامد های خرده فرهنگ یاوردهی و هیاره (همیاری) در روستا های استان های گیلان و مرکزی، تلاش خواهد شد اثرات و پیامد ها و چگونگی تاثیر گذاری این خرده فرهنگ ها در ارتباط با بعد فرهنگی توسعه مورد کنکاش قرار گیرد.

### اهمیت و ضرورت مسئله

جایگاه فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها در جهان و تلاش برای حفظ آن ها، موضوع جدیدی نیست، با گذری کوتاه بر گذشته و حال بعضی جوامع، در می یابیم که تلاش برای محفوظ داشتن فرهنگ و خرده فرهنگ ها حتی در کشور های توسعه یافته دنیا نیز، هنوز ارزشمند بوده و افراد این جوامع، تلاش و توصیه برای صیانت از آن ها را از نسلی به نسل دیگر منتقل می کنند. به عنوان مثال ژاپن، از جمله کشور هایی است که در این امر مثال زدنی است، از دیدگاه جامعه شناختی نیز، کارکرد فرهنگ ها و خرده فرهنگ با نگرش به هدفمندی آنان در ایجاد همبستگی و انسجام و نیز توسعه یافتگی درخور توجه است، در این خصوص می توان گفت یک کارکرد، مجموعه فعالیت هایی است که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می گیرد (Rocher, 1975: 40) پارسنز نیز با توجه به این تعریف معتقد است که چهار تکلیف است که برای همه نظام ها ضرورت دارند و هر نظامی برای زنده ماندن باید چهار کارکرد را انجام دهد، یکی از این چهار کارکرد، نگه داشت و حفظ الگو هاست، بر این مبنا، هر نظامی باید انگیزش های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگه دارنده این انگیزش ها را ایجاد، نگه داری و تجدید کند (Ritzier, 1940: 131) حال با نگرش به موارد مطروحه در خصوص خرده فرهنگ ها و تأثیر گذاری اجتناب ناپذیر آن ها، در این پژوهش، به تطبیق اثرات و پیامد های خرده فرهنگ « یاور دهی » در روستا های استان گیلان و مرکزی و تأمل در خصوص کم و کیف و تأثیرات آن، با نگرش به مقوله خرده فرهنگ دهقانی راجرز خواهیم پرداخت، چرا که خرده فرهنگ ها به نوبه خود می تواند به عنوان سرمایه اجتماعی ارزشمند، در روند توسعه پذیری نیز ایفای نقش نماید.

### پیشینه تحقیق

در میان پژوهش های انجام گرفته در داخل و خارج از کشور که قابل دسترسی بوده است پژوهش های معدودی پیرامون موضوع خرده فرهنگ روستایی، ملاحظه گردید:

فرهادی (۱۳۸۷) گونه شناسی یاریگری ها و تعاونی های سنتی در ایران. هدف این مقاله سنخ شناسی و طبقه بندی انواع یاریگریها و تعاونی های سنتی در ایران بوده است.

نور محمد (۱۳۸۵) بررسی خرده فرهنگ های دهقانی قشرهای مختلف در مناطق روستایی استان گلستان. براساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی سه فاکتور پیشرفت اقتصادی، خلاقیت شغلی و جبر مکانی در تعیین ویژگی های خرده فرهنگی و تعیین پایگاه اجتماعی، اقتصادی روستائیان استان گلستان، نقش به سزایی داشته اند.

قاسمیان (۱۳۹۴) بررسی خرده فرهنگ دهقانی در مناطق روستایی با تأکید بر مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: استان مازندران، شهرستان بهشهر، روستای گرجی محله). در این پژوهش یافته ها نشان داده که متغیرهای تقدیرگرایی، فقدان نوآوری، اعتماد اجتماعی، خانواده گرایی در منطقه مورد بررسی رابطه معناداری با مشارکت اجتماعی دارند.

لرنر<sup>۲</sup> (۱۹۵۸)، لویس<sup>۳</sup> (۱۹۶۰)، تکس<sup>۴</sup> (۱۹۶۳)، روزن<sup>۵</sup> (۱۹۶۴)، فاستر<sup>۶</sup> (۱۹۶۵)، راجرز<sup>۷</sup> (۱۹۶۹)، ردفیلد<sup>۸</sup> (۱۹۸۰) و دیگران، با بیان مفهوم عناصرخرده فرهنگ دهقانی تلاش کرده اند که دلایل توسعه نیافتگی برخی از مناطق جهان را نظام ارزشها و باورهای سنتی و فرهنگی آن جوامع بدانند و درصدد آزمون اعتبار تجربی این نظریه در برخی از جوامع سنتی بوده اند.

کومار<sup>۹</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان تاثیر پیش بینی انتظارات بر کیفیت درک شده، مطالعه خرده فرهنگ های روستایی و شهری، به این نتایج دست یافت که خرده فرهنگ های روستایی و شهری، نیازهای شخصی و گزینه های درک شده، بعضی از عوامل مهمی است که بر ارزیابی کیفیت مصرف کنندگان تأثیر می گذارد.

جان فا کوسکی<sup>۱۰</sup> و دیگران (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان روابط اجتماعی و اقدامات همکاری حاکم در مناطق روستایی: شواهدی از گروه تولید کننده کشاورزی در لهستان چنین اظهار می دارد: ما عوامل تشویق راه حل های مثبت برای مشکلات هماهنگی در مناطق روستایی را با بررسی دقیق تر تعاملات اجتماعی میان افرادی که تصمیم به شرکت در فعالیت جمعی مشارکت در گروه های تولید کننده کشاورزی دارند، مورد بررسی قرار می دهیم

سوفی وین جونز (۲۰۱۷) درک همکاری کشاورزان: بررسی شیوه های وابستگی اجتماعی و تأثیرات ناشی از آن. در این پژوهش عنوان شده پتانسیل کار تعاونی در بخش کشاورزی در سال های اخیر با توجه به طیف وسیعی از مزایای بالقوه، افزایش یافته و علائق را به خود جلب کرده است. با این حال، عدم اطمینان در درک تعادل بین اولویت فردی و جمعی همچنان ادامه دارد.

### جمع بندی

یاریگری و کمک به یکدیگر مختص زمان و مکان خاصی نیست و به استناد تاریخ نگاران و محققان، در صور ابتدایی زندگی انسانی نیز موجود بوده است. وجود چنین مقوله ای (همیاری و یاریگری) معادلات برخی پژوهش ها را دگرگون ساخته و بر خلاف تصور بعضی از اندیشمندان، نشانگر آن است که وجود این فرهنگ نه تنها مانعی برای توسعه در دنیای معاصر نبوده بلکه در بعضی موارد، محرک نیز بوده است؛ در همین زمینه، در صورت تأیید عناصر مطروحه از طرف اندیشمندی چون راجرز، هرچه افراد روستایی، دارای خرده فرهنگ دهقانی مد نظر وی باشند، از مشارکت و توسعه فاصله گرفته اند و در سویی دیگر، در صورت نبود یا کم رنگ بودن موارد در نظر گرفته شده و مورد تأیید وی، روستاییان تمایل ذهنی بیشتری به مشارکت و همسویی دارند. یعنی به عبارتی، وجود یا نبود عناصر مطروحه او، به زعم بعضی از دیگر محققان آن هم با نگرش به جوامع گوناگون، جای تأمل و بررسی بیشتری دارد. در نگاهی دیگر، مقوله ارتباط و تأثیرات عاطفی آن در بین روستاییان، از مواردی است که می تواند بر روند همدلی و حسن همکاری قشر روستایی، تأثیر گذار باشد. البته مقوله های شخصیتی روستاییان در

<sup>۲</sup>- Lerner

<sup>۳</sup>- Lewis

<sup>۴</sup>- Tax

<sup>۵</sup>- Rosen

<sup>۶</sup>- Foster

<sup>۷</sup>- Rogers

<sup>۸</sup>- Redfield

<sup>۹</sup>- Kumar

<sup>۱۰</sup>- Koski

<sup>۱۱</sup>-Wayne Jones

جوامع مختلف نیز، می تواند بر روند چگونگی ارتباطات و تشریک مساعی افراد روستا تأثیر گذار باشد که این جایگاه به نوبه خود، ظهور نتایج متفاوتی را به همراه خواهد داشت.

در اینجا اندیشه های صاحب نظران و موارد مطروحه آنان با نگرش به ارتباط فحوایی با موضوع تحقیق، به انگیزه استفاده بهینه تر از اندیشه ها و روشن تر شدن ادامه راه، مطرح می شود.

### مبانی نظری

همکاری از دیدگاه جامعه شناسی یکی از مهمترین انواع کنش متقابل در جوامع بشری است. اهمیت این نوع کنش تا بدانجاست که به تعبیر پاتریک نولان، چیزی که موجودات اجتماعی را از سایر گونه های جانوری ممتاز می سازد، خصیصه ای است که با توان های نهفته خود می تواند برای مقاصد و منظور های مختلف مورد استفاده قرار گیرد یعنی توانایی همیاری ( Nolan, 28: 2004). روشن است که در متون جامعه شناسی، نام بلومر<sup>۲</sup> از افراد مطرح در خصوص نظریه کنش متقابل است از نظر بلومر، "معنا" که در علوم کمتر مورد توجه قرار گرفته است، در تبیین روان شناسی بیشتر تأکید بر محرک ها، انگیزه ها و گرایشهاست و در تبیین جامعه شناختی، تأکید بر عواملی چون وضعیت اجتماعی، مسائل فرهنگی، هنجارها، فشارها و غیره، به هرحال در هر دو تبیین معنای اشیا برای فردی که کنش را انجام می دهد، تحت الشعاع عوامل مذکور است و رفتار وی با عوامل فوق بررسی می شود. (توسلی، ۱۳۸۴: ۳۱۷) بنابراین گروه های انسانی، تجمع افرادی است که با هم کنش و واکنش دارند. کنش شامل فعالیت های کثیری است که افراد انسانی در طی برخورد با افراد دیگر یا در مقابل وضعیت های مختلف انجام می دهند، فعالیت ها از افراد ناشی شده تداوم می یابند. (توسلی، ۱۳۸۴: ۳۱۹) از دیگر مواردی که در ارتباط با همیاری ها قابل توجه است، مقوله توسعه روستایی است؛ چرا که توسعه و توسعه روستایی به عنوان مقوله ای مهم مورد تأمل و توجه صاحب نظران بوده است. یکی از پایه های اساسی توسعه روستایی بر تعاون و همکاری دهقانان استوار است و فقدان این روحیه به مثابه یکی از دلایل عدم موفقیت بسیاری از برنامه های توسعه روستایی در جوامع دهقانی است (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۲۱). البته باید توجه داشت که توسعه مفهومی است چند بعدی که دارای جنبه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است؛ و اگر هر یک از این ابعاد را در نظر بگیریم می توانیم تأثیر گذاری آن بعد را، هم به لحاظ تاریخی، و هم به لحاظ نظری برای این مفهوم روشن سازیم. گفتنی است توسعه، همان رشد اقتصادی نیست. زیرا که توسعه جریانی است چند بعدی و پیچیده که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد توسعه در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می گیرد (Lehman, 1979: 9). با نگرش به ارتباط مقوله های توسعه و خرده فرهنگ و دیدگاه مطروحه در این زمینه، در اینجا نگاهی گذرا به دیدگاه راجرز خواهیم داشت راجرز در نظریه خود با طرح مواردی از خرده فرهنگ دهقانی، فرهنگ روستایی را دارای باورها و سلایقی می داند که اندیشه ها و کنش های او را به گونه ای خاص سامان داده و به نوعی مانع توسعه می شود. او عناصر اصلی فرهنگ دهقانی را اینگونه مطرح نموده است: خانواده گرایی، عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، وابستگی به دولت، تقدیر گرایی، پایین بودن سطح آرزو ها و تمایلات، عدم توانایی چشم پوشی از منافع آنی برای دست یابی به منابع آتی، دیدگاه زمانی محدود، محلی گرایی و فقدان همدلی (Chong & etal, 1984: 10) البته در خصوص این نظریه، صاحب نظران، انتقادهای را نیز مطرح نموده اند. از جمله این که ماهیت عناصر ده گانه (خرده فرهنگ دهقانی) که توسط راجرز بیان شده به گونه ای است که همه این عناصر به عنوان عوامل منفی و باز دارنده توسعه

اقتصادی فرض شده اند. به این ترتیب این سوال پیش می‌آید که آیا هیچ عنصر مثبتی در خرده فرهنگ دهقانی یافت نمی‌شود؟ (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۳۵)

مناسب است در اینجا چند نمونه از انتقاد های مطروحه به خرده فرهنگ دهقانی راجرز مورد توجه و تأمل قرار گیرد از جمله: در مورد مسأله فقدان نوآوری در میان دهقانان، غالباً نکات زیر نادیده گرفته شده است: آیا یکی از عوامل عمده در این عدم استفاده ناشی از عدم توانایی مالی و عدم دسترسی دهقانان خرده پا و نیز مشکلات ناشی از عدم آگاهی به چگونگی تعمیر ماشین آلات نمی‌باشد؟ از طرفی، عدم تناسب تکنولوژی مدرن با شرایط اقلیمی و اجتماعی کشورهای گیرنده آن‌ها، سبب شکست و عدم پذیرش آن‌ها شده است. این گونه مسائل در تحلیل اینکه چرا دهقانان آن‌طور که انتظار می‌رود واکنش مثبت از خود نشان نمی‌دهند، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در ارتباط با مسأله فقدان همدلی و مطالعه لرنر درباره دهقانان ترکیه باید گفت نظیر این پاسخ از دهقان فیلیپینی موقعی که از او سؤال شد که «در صورتیکه ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ پول داشتید با آن چکار می‌کردید؟ شنیده شد که «من ترجیح می‌دهم که درباره آن فکر نکنم مبادا که دیوانه شوم». به نظر می‌رسد که محققان حداقل باید پرسش‌های معنی‌دارتری از دهقانان به عمل بیاورند. (ارتباط سوال با مقوله همدلی چگونه قابل استدلال است) در ارتباط با وابستگی به قدرت دولت، باید اشاره کرد که ماهیت این وابستگی نیاز به مطالعه بیشتری دارد. در کشورهایی که مأموران دولتی در آن بیشتر بر اساس بینشهای سیاسی نه بینشهای تکنیکی انتخاب شده‌اند، شاید نهایت خوشبختی است که دهقانان از چنین دولتی انتظار راهنمایی‌های فنی و تکنیکی نداشته باشند. (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۳۹-۱۳۸) و یا بنابر اعتقاد اینگر سول<sup>۱۳</sup> (۱۹۶۸) پاره‌ای مطالعات موردی در کشورهای آسیایی نتایج کاملاً متضادی با آنچه راجرز بیان داشت نشان می‌دهند (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۴۱). و اما از دیگر مکاتبی که در خصوص پدیده یاریگری‌ها و کارکرد آن قابل توجه می‌باشد "کارکرد گرایی" است، چرا که کارکرد یک پدیده، به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد. (Ritzier, 1940: 131) آنچه در این نظریات، مهم و کلیدی است توجه به نظم و ثبات در جامعه است که اکثر نظریه‌پردازان کارکردگرایی بدان توجه داشته‌اند، مانند دورکیم که دین را در مطالعاتش به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی می‌داند که کارکرد آن همبستگی، انسجام و نظم است (Mur, 1945: 166). آنچه که از پدیده‌ای چون یاریگری نیز انتظار می‌رود، گیدنز نیز در تعریف کارکردگرایی می‌نویسد:

«دیدگاهی نظری بر پایه این اندیشه که رویدادهای اجتماعی را می‌توان به بهترین وجه برحسب کارکردهایی که انجام می‌دهند -یعنی کمکی که به دوام و بقای جامعه می‌کنند- تبیین کرد.» (Giddens, 1984: 80) کارکردگرایی عموماً رویکردی متفاوت داشته و به‌منظور فهم حیات اجتماعی، نمی‌خواهد نظام اجتماعی را در هم شکسته و به کوچک‌ترین اجزاء تقلیل دهد، بلکه در صدد است ماهیت در هم تافته، زنده و متقابلاً سازگار یک نظام اجتماعی را در کلیتش بفهمد. این امر مستلزم آن است که در اجزاء، وحدتی بازشناخته شده تا براساس آن، اجزاء و کل در هم تنیده شده و یک هویت به‌دست آورده شود. موضوع اصلی کارکردگرایی، خود افراد نیستند. این عبارت که "کارکرد فرد انجام وظیفه است" مرتبط کردن انجام وظیفه به فرد، گمراه‌کننده است. (Mur, 1945: 166-167)

چارچوب نظری

یکی از نخستین کسانی که تعریفی از خرده فرهنگ ارائه داد رابرت ر. بل<sup>۱۴</sup> بود. او خرده فرهنگ را چنین توصیف کرد: از فرهنگ جزئی، نظام فرهنگی نسبتاً منسجمی را می توان فهمید که در بستر نظام کلی فرهنگ ملی، دنیای ویژه خود را داراست. اعضای چنین خرده فرهنگی از سایر افراد جامعه تا حدودی متمایز هستند (Scheffers, 1939: 191). خرده فرهنگ، به شیوه زندگی متمایز یک گروه در جامعه های پیچیده گفته میشود. خرده فرهنگ به طور خاص، باورها، ارزشها، نظامهای نمادین و اشیاء مصنوع حاوی معنا را شامل می شود، ولی می تواند بسط یابد و ساختارهای نهادی و سازمانی مناسبات را نیز شامل گردد. خرده فرهنگ ممکن است نسبت به فرهنگ مرسوم گروه های مسلط، انحراف داشته باشد یا ضد فرهنگ مسلط باشد. برخی خرده فرهنگها نیز ممکن است حول کانون های غیرهنجارین هويت اجتماعی و تمایز اجتماعی شکل بگیرد، ولی در تقابل با فرهنگ مسلط نباشد (جلالی پور و محمدی، ۱۳۸۷: ۴۳۱). در این میان خرده فرهنگ ها در جایگاه خود دارای چنان اهمیتی هستند که در برهه های مختلف، اندیشمندان ارتباط آن را با توسعه و ترقی جوامع، مورد بررسی و کاوش قرار داده اند، و در این راستا حتی توسعه روستایی به عنوان مقوله ای مهم مورد تأمل و توجه صاحب نظران بوده است. یکی از پایه های اساسی توسعه روستایی بر تعاون و همکاری دهقانان استوار است و فقدان این روحیه به مثابه یکی از دلایل عدم موفقیت بسیاری از برنامه های توسعه روستایی در جوامع دهقانی است (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۲۱). البته باید توجه داشت که توسعه مفهومی است چند بعدی که دارای جنبه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است؛ و اگر هر یک از این ابعاد را در نظر بگیریم می توانیم تأثیر گذاری آن بعد را، هم به لحاظ تاریخی، و هم به لحاظ نظری برای این مفهوم روشن سازیم. گفتنی است توسعه، همان رشد اقتصادی نیست. زیرا که توسعه جریانی است چند بعدی و پیچیده که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد توسعه در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می گیرد (Lehman, 1979: ۹). اهمیتی که جامعه شناسان به ویژگی ها و چگونگی ارتباط بین کشاورزی و توسعه ملی می دهند با توجه به دیدگاه هایشان متفاوت است. مثلاً مفسران متعددی «سنت گرایی» و «عقب افتادگی» اقتصادی این جوامع را از جمله موانع توسعه ملی می دانند. به طوری که «سنت گرایی» و «عقب افتادگی» منبع بسیاری از وجهه نظر های محافظه کارانه نسبت به نوسازی و رشد اقتصادی است. بعضی دیگر از تحلیل گران به نقش پر تحرکی که کشاورزان می توانند در صنعتی شدن از طریق سرمایه ای که از صادر کردن محصولات کشاورزی به خارج به دست می آید و برای توسعه صنایع شهری سرمایه گذاری می شود، و نیز تهیه مواد غذایی برای جمعیت شهری در حال افزایش و فراهم آوردن نیروی کار برای تولیدات کارخانه ای، اشاره می کنند (Dornier, 1972: ۱۶-۱۷) با نگرش به ارتباط مقوله های توسعه و خرده فرهنگ و دیدگاه مطروحه در این زمینه، در اینجا نگاهی گذرا به دیدگاه راجرز خواهیم داشت راجرز در نظریه خود با طرح مواردی از خرده فرهنگ دهقانی، فرهنگ روستایی را دارای باورها و سلایقی می داند که اندیشه ها و کنش های او را به گونه ای خاص سامان داده و به نوعی مانع توسعه می شود. او عناصر اصلی فرهنگ دهقانی را اینگونه مطرح نموده است: خانواده گرایی، عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، وابستگی به دولت، تقدیر گرایی، پایین بودن سطح آرزو ها و تمایلات، عدم توانایی چشم پوشی از منافع آنی برای دست یابی به منابع آتی، دیدگاه زمانی محدود، محلی گرایی و فقدان همدلی (Chong & etal, 1984: 10) البته در خصوص این نظریه، صاحب نظران، انتقادهای جامعی را نیز مطرح نموده اند. اما نکته قابل توجه و تأمل در عناصر مطروحه خرده فرهنگ دهقانی در این است که چون این عناصر مرتبط با فرهنگ است در صورت مغایرت داشتن آن با منش ها و رفتارهای یک جامعه روستایی، خصوصاً در مقوله هایی همچون همدلی، اعتماد، عدم وابستگی به دولت و نوآوری، نه تنها مانع توسعه نخواهند بود، بلکه رویکرد مثبت عناصر مذکور خود به عنوان سرمایه ای اجتماعی در روستا جایگاه پر ارزشی خواهد داشت. به نظر پی یور بوردیو<sup>۱۵</sup>

<sup>۱۴</sup>Bell

<sup>۱۵</sup>Bourdieu



سرمایه، شکل‌های متنوعی دارد: سرمایه اقتصادی (ثروت)، سرمایه فرهنگی (صلاحیت، دانش)، سرمایه نمادین (افتخار، پرستیژ)<sup>۱۴</sup> و سرمایه اجتماعی (پیوندهای اجتماعی و اعتماد) (Sideman, 1978: 198). سرمایه اجتماعی در یک معنای عام، نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است که با بازده مورد انتظار تعریف می‌شود (توسلی، ۱۳۸۲: ۶). از نظر هانیفان<sup>۱۵</sup> نیز سرمایه اجتماعی، شامل دارایی‌هایی است که در زندگی روزانه افراد وجود دارند مانند: حس تفاهم، رفاقت و دوستی، احساس همدردی در روابط اجتماعی بین افراد و بین خانواده‌هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند. (پیراهری، ۱۳۸۸: ۱۱). اندیشمندان برحسب دیدگاه‌های خود تعاریف مختلف (نه متناقضی) از سرمایه اجتماعی به عمل آورده‌اند که فصل مشترک آن‌ها را در تعریف زیر می‌توان گنجانید: سرمایه اجتماعی، پتانسیل نهفته در روابط بین و میان افراد (و گروه‌های) یک جامعه است که باعث انجام امورات آن‌ها می‌شود (سعادت، ۱۳۸۶: ۱۷۷). از دیگر موارد مطروحه در خصوص یاوردهی یا همیاری‌ها رویکرد یا دیدگاه مبادله است. جدای از رویکرد های نظری بلاو<sup>۱۶</sup> یا کلمن<sup>۱۷</sup> در این خصوص، قابل توجه است که کار گروه همیار در واقع یک نوع مبادله‌ی نیرو و ابزار کار همراه با مبادله‌ی احترام و حسن نیت و دوستی است و در بسیاری از مواقع با مبادله‌ی اطلاعات و مبادله‌ی مسائل عاطفی و روانی دیگر نیز همراه است. مبادله در همیاری‌های سنتی، مبادله‌ای چند بعدی، گرم، بدون واسطه و چهره به چهره، پایاپای و اغلب دلخواسته و آگاهانه و توأم با احترام و دوستی متقابل است (فرهادی، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۰)

#### پرسش‌های ملهم از دیدگاه‌های نظری (روش کیفی می‌باشد)

- ۱- نقش یاریگری در وجود یا نبود همدلی در امور روستایی و به تعبیری نقش آن در انسجام و وحدت روستاییان چگونه است؟
- ۲- فرهنگ یاریگری در افزایش یا کاهش حس اعتماد روستاییان چه نقشی دارد؟
- ۳- آیا یاریگری در خود اتکایی روستاییان در بعضی امور روستا نقشی داشته است؟ یا به تعبیری از وابستگی محض به ادارت کشاورزی کاسته است؟
- ۴- فضای روحی-روانی موجود در فرهنگ یاریگری در پذیرش یا عدم پذیرش ایده‌های تازه در امور روستایی چه نقشی دارد؟
- ۵- متعهد بودن در یاریگری، چه نقشی دارد یا به تعبیری آیا پذیرش یاریگری تعهد آور است؟
- ۶- یاریگری، در خصوص ایجاد همکاری و مشارکت روستاییان، چه نقشی داشته و این نقش بیشتر در چه زمینه‌هایی بوده است؟
- ۷- نقش یاریگری، در برقراری تنوع و گستردگی روابط روستاییان چگونه می‌باشد؟
- ۸- منفعت و سود اصلی حاصله از یاریگری چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

<sup>۱۴</sup>Prestige  
<sup>۱۵</sup>Hanifan  
<sup>۱۶</sup>Blau  
<sup>۱۷</sup>Coleman

با توجه به موضوع تحقیق (بررسی خرده فرهنگ)، به انگیزه شناخت بهتر و جامع تر مقوله خرده فرهنگ یاریگری در استان گیلان، در این تحقیق از روش کیفی استفاده شده است؛ چرا که در بررسی فرهنگ جوامع و آثار و پیامدهای آن که نوعی روند اکتشافی است؛ تحقیقات دیگر محققان نیز نشان می دهد که دوری از ارقام و اعداد یا آمار و بهره گیری از مصاحبه آن هم در میدان تحقیق به همراه مشاهده، عموماً نتایج شفاف تر و ژرف تری را به همراه دارد. که به نقل از روح الامینی (روح الامینی، ۱۳۸۶: ۶۰) با توزیع پرسشنامه، فهم فحوای آن بدینگونه که در روش کیفی است، میسر نمی بود. با نگرش به روش، در این پژوهش از زیر مجموعه روش کیفی، از روش اتنوگرافی (روش مردم نگاری) با رویکرد جامعه شناسی استفاده شده است. جمعیت مورد بررسی در این پژوهش نیز، روستائینی می باشند که در روستاهای آنان، فرهنگ یاریگری و همیاری قابل مشاهده بوده است. که در این خصوص از تجارب و اطلاعات واحد های ترویج جهاد کشاورزی استان و شهرستان های تابعه، برای شناسایی روستاهای هدف بهره گیری شد. با نگرش به موارد مطروحه، در این زمینه جمعیت مورد بررسی در استان گیلان شامل کشاورزان ۵ روستا، با ۱۱۳۴ خانوار از شهرستان رشت - ۳ روستا با ۱۲۰۰ خانوار از شهرستان اشرفیه و ۳ روستا با ۱۳۷۰ خانوار از شهر فومن بوده اند. و جمعیت مورد مطالعه در استان مرکزی شامل ۴ روستا با ۲۲۵۰ خانوار از شهر خمین - ۳ روستا با ۸۱۳ خانوار از شهرستان شازند و ۴ روستا با ۷۰۰ خانوار از شهرستان خداب بوده اند. براین اساس، نمونه های انتخاب شده، بدینگونه اند: ۲۴ نفر از روستائیان شرکت کننده در مصاحبه، از استان گیلان و ۲۳ نفر از روستائیان مصاحبه شونده، از استان مرکزی بوده اند و نمونه ها بر اساس وجود افراد یاورده (یاریگر) در یک روستا، گزینش شده اند، به تعبیری از نمونه گیری هدفمند استفاده شده است (مصاحبه ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت). توضیح دیگر اینکه سطح تحلیل در این پژوهش، خرد می باشد؛ و واحد تحلیل، روستائیان مشارکت کننده در مقوله همیاری می باشند. واحد مشاهده نیز روستائیان روستاهای هدف بوده اند؛ تکنیک جمع آوری اطلاعات نیز در این پژوهش مصاحبه نیمه ساخت یافته و مشاهده است. گفتنی است در ثبت و ضبط مصاحبه ها از دستگاه Mp3 و برای ثبت مشاهدات از دوربین عکاسی و تصویر برداری استفاده شد. گفتنی است با توجه به اینکه مصاحبه های انجام شده تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و با نگرش به اینکه پاسخ های داده شده به سوال های ملهم از رویکرد های نظری، محقق کننده اهداف موضوع پژوهش بوده است، پژوهش حاضر دارای اعتبار می باشد.

#### • یافته های پژوهش با نگرش به رویکرد نظری (استان گیلان)

در این پژوهش نتایج به دست آمده از روستاهای استان گیلان را با نگرش به عناصر خرده فرهنگ دهقانی راجرز، در چهار مقوله دسته بندی کردیم که عبارتند از: ۱- همدلی ۲- اعتماد ۳- عدم وابستگی به دولت ۴- نوآوری که در ادامه به بررسی هرکدام از مقوله های یاد شده می پردازیم:

**همدلی:** یافته ها در خصوص مقوله همدلی در روستاهای استان گیلان حاکی است: یکی از اثرات یاوردهی ها، هم دل شدن روستائیان است. نگاه تک روی و فردیت از روستائیان به دور بوده و جایگاهی در روستا ندارد به گونه ای که نگرش " دست خدا با جماعت است " به عینه با روحیه روستایی عجین شده، تا آنجا که دور بودن از کار گروهی را مساوی با از هم پاشیدگی همه چیز می دانند که سیر زندگی در روستا را با موانع جدی روبرو می کند. شباهت های فکری و اخلاقی روستائینی که در کارهای گروهی همچون یاریگری مشارکت می کنند، به نوبه خود تفکر بهره مندی از یاریگری را به جهت فواید آن در تحقق همدلی و یکپارچگی بیش از پیش، مهیا کرده و فراهم می آورد و به همین خاطر است که روستائیان تلاش می کنند تا یکدیگر را تنها نگذارند. از طرفی همدلی های حاصله از یاریگری فقط محدود به بخش کشاورزی و کار در روی زمین نمی شود، بلکه یاریگری روستائیان در دیگر امور روستایی نیز که با همت و مشارکت همه جانبه روستائیان صورت می گیرد، منجر به افزایش همدلی و انسجام روستائیان شده است. گفتنی است ابعاد اثرات یاریگری متنوع بوده و روستائیان در کنار لذتی که از باهم بودن خود در کار گروهی می برند به پیامدهای دیگری چون یک دل بودن و اتحاد حاصله از آن، تاکید کرده و یقین دارند.

**اعتماد:** روستائیان گیلان خاص بودن ویژگی های افراد یاورده را از مزیت های این گروه دانسته اند. این خاص بودن در مراودات با روستائیان اینگونه معرفی شده اند: افراد دل‌داده به کار - بی ریا - بی توقع - دارای تعهد - دلسوز و هدفمند، که همه این ویژگی ها معادلاتی را رقم می زند که حاصل آن جز اطمینان به یکدیگر، نیست. و این اطمینان، در پویایی گروه به نوبه خود تأثیر گذار است. در وهله اول، ورود به یاریگری و کمک به یکدیگر، خود مستلزم اعتماد کردن به یکدیگر می باشد و این یک امر طبیعی است. اما وقتی کار به سرانجام می رسد، اعتماد به یکدیگر مضاعف و به تعبیری دوچندان می شود. اینجاست که نتیجه خوشایند این امر، بر استمرار این روند، می افزاید. اعتماد حاصله از یاریگری چنان دارای قوام و قوت است که روستائیان در مواردی مشکلات شخصی خود را نیز با یکدیگر در میان می گذارند. محیطی که در آن اطمینان و اعتماد از عناصرهای ساختاری آن است دارای موهبتی است گرانبه‌تر. موهبتی که بسیاری از جوامع و افراد آن را گم گشته خویش می دانند. روستائیان یاورده یا به تعبیری یاریگر، متفق القولند که به وجود آمدن حس اعتماد به یکدیگر، یکی از نتایج و پیامدهای یاریگریست. پس می توان گفت یاریگری، آن هم در کار دشوار و سخت کشاورزی که با تمایل و بی شائبگی روستائیان همراه است. در دل خود آنچه را که لازمه یک زندگی اجتماعی است، تقویت می کند؛ کار گروهی بدون دستمزد که به یمن یاریگری در فضای روستایی، قابل مشاهده است، حامل صمیمیتی است که از اثرات آن، نبود نگرانی از مطرح نمودن مسائل مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است.

**عدم وابستگی به دولت:** آنچه در بین تمامی مصاحبه ها در استان گیلان مشهود بوده است، جایگاه یاریگری است که نوعی اعتماد به نفس در تک تک روستائیان یاورده به وجود آورده که تکیه به خود داشتن را رمز موفقیت خود می دانند. در روستائیان نگرش به بیرون، به معنای وابسته بودن به کمک های سازمان ها و نهادهای مرتبط با کشاورزی از این دیدگاه که مرتفع کننده نیازهای آنان نیست، مورد توجه کشاورزان نمی باشد، اما در مقابل، وابسته بودن روستائیان به یکدیگر منجر به بوجود آمدن شبکه ای از روابط سازنده و مفید می شود تا روستائیان با کمک به یکدیگر و به تعبیری نگاه به درون و اتکاء به خود، مسیر کارهای خود را هموار کنند. وقتی کشاورزان میزان برآورده شدن تقاضاهای خود را آنطور که انتظار دارند و یا به تعبیری مورد رضایت آنان باشد، کافی نمی دانند، وجود مقوله ای چون همیاری و کمک به یکدیگر را برای ناامید نشدن و ادامه سرزندگی و کار و تلاش بر می گزینند و در حقیقت می توان گفت به راهکارها و روش های خود اتکا می کنند. پرداخت نشدن یا دیر پرداخته شدن مبالغ مرتبط با محصولات بیمه شده، مشکلات دریافت و پرداخت وام های بانکی، ناکافی بودن سهمیه سوخت ماشین های کشاورزی، از مواردی بوده که روستائیان مطرح نموده اند. اما با این وجود، آن ها امید خود را از دست نداده و به انگیزه پیشرفت کار، و اینکه از حرکت و تلاش بازنمانند از مقوله هایی چون یاریگری در امور کشاورزی و غیرکشاورزی بهره می جویند و به مدد آن پویایی جامعه خود را حفظ می کنند

**نوآوری:** یاریگری مقوله ای یک بُعدی نیست و دیگر اینکه با ورود هر نوآوری به روستا، همیاری ها به شکل دیگری خود را نشان داده و بروز می کند. اینجاست که چون حفظ سنت ها در نزد روستائیان منافاتی با نوآوری ندارد، روستائیان با نگرش به توانایی هایشان ( جسمی - مادی ) از این مقوله استقبال می کنند. آگاهی و اطلاعات کشاورزان در مورد منفعت بهره گیری از طرح های تازه، کاملاً در سخنان آنان مشهود است، چرا که روستائیان به دو مقوله محوری و تأثیر گذار در طرح های جدید که شامل صرفه جویی در زمان و استفاده از نیروی انسانی کمتر و بازدهی بیشتر است، کاملاً اشراف داشته و آن ها را در هزینه تمام شده موثر می دانند. نکته دیگر اینکه چون محوریت یاوردهی، در روی زمین کشاورزی در مرحله نشاء برنج انجام می شود، ماشین آلات نشاء به نوعی جایگزینی برای نیروی انسانی است، اما جدای از اینکه یاوردهی گاهی با استفاده از ماشین نشاء هم

انجام می شود، گفتنی است که بعد از نشاء هم مراحل وجود دارد که در آن مراحل، باز هم حضور نیروی انسانی همیار و یاریگر در آن، مشهود است. یعنی به تعبیری وجود ماشین آلات نشاء، کار یاوردهی را تعطیل نکرده است. (مراحلی مانند وجین<sup>۲۰</sup> و باکس زدن<sup>۲۱</sup>). و اما در نگاهی دیگر قابل توجه است که تبادل اطلاعاتی که در هنگام یاریگری اتفاق می افتد، خود می تواند مشوقی برای استفاده و بهره مندی از محصولات جدید و نو در ارتباط با کار کشاورزی و نیز بوجود آورنده نوآوری باشد. بر این اساس پیام یاوردهی با عقب ماندن و رخوت، سنخیتی ندارد. به نوعی پذیرش این فرهنگ، همیاری و کمک به یکدیگر را با روند زندگی روستایی، همراه و قرین نموده. و آنچه را که برای بهره وری و پیشرفت کار، لازم و محرز باشد، اجتناب از آن در تفکر روستایی جایگاهی ندارد

#### • یافته های پژوهش با نگرش به رویکرد نظری (استان مرکزی)

در این قسمت نتایج به دست آمده از روستاهای استان مرکزی را با نگرش به عناصر خرده فرهنگ دهقانی راجرز، در چهار مقوله دسته بندی کردیم که عبارتند از: ۱- همدلی ۲- اعتماد ۳- عدم وابستگی به دولت ۴- نوآوری که در ادامه به بررسی هرکدام از مقوله های یاد شده می پردازیم:

**همدلی:** یافته ها در خصوص مقوله همدلی در روستاهای استان مرکزی حاکی است: در همدلی روستائیان، به نوعی احساس مسئولیت وجود دارد و این همدلی فقط به انسجام افراد همیار ختم نمی شود، این جماعت جمعی موثرند. مشکل دیگران را مشکل خود می دانند، از طرفی درک متقابل افراد از یکدیگر به عنوان یک مقوله بسیار مهم، تاثیر بسزایی در حفظ و افزایش همدلی روستائیان داشته است. چرا که فهم مشترک در جایگاه خود، جایی برای پراکندگی و تفرقه باقی نمی گذارد. گذراندن ساعات طولانی در یک روز، آن هم روزهایی که به همین گونه تکرار می شود و آن هم نه در شرایط طبیعی مثل با هم بودن در یک سفر طولانی، بلکه با کاری مستمر و پر زحمت در هوایی گرم، همدلی و انسجام را به همراه داشته است که ثمره بارز این باهم بودن هاست. بنا به گفته مصاحبه شوندگان حضور روستائیان و جمع شدن آن ها در کنار یکدیگر، حس امید را در این جماعت بارور می کند. امیدی که روحیه جمع را مضاعف نموده و کار را دلپذیر می کند. در اینجاست که ناامیدی و خستگی کنار می رود و انسجام و همدلی همراه و قرین همیاران کشاورز در کار و زندگی شان می شود. روستائیان انگیزه همیاری و کمک به یکدیگر را رسیدن به همدلی و انسجام عنوان نموده اند و به نوعی نبود چنین اثری را با نبود همیاری، یکی دانسته اند. جمع شدن اعضا فامیل و حتی دوستان در زمان برداشت، آنقدر برای افراد گروه مهم است که در این خصوص بر خود لازم می دانند به موقع خود را به جمع برسانند چرا که فرصتی خواهد بود تا مراودات بیشتری با اعضا همیار داشته باشند و بعد از مدت ها در کنار هم باشند که این حضور پربرکت منجر به نزدیکی بیشتر در روابط فامیلی و یکدلی و انسجام شده است. روستائیان همراهی و همیاری را عاملی برای کنار گذاشتن کدورت ها دانسته و فضای محیط کار و تلاش را این چنین مثبت و مفید ارزیابی می کنند.

اعتماد: همیاری در استان مرکزی، عموماً بصورت فامیلی اتفاق می افتد و روستائیان اعتقاد دارند که چون روابط فامیلی بین آن ها برقرار است، وجود اعتماد در این گونه روابط (فامیلی) مورد انتظار آن هاست. اما کمک به یکدیگر در فضای کار و تلاش پیامدهایی مطلوب دارد از جمله پذیرش دیگری یا دیگران و اطمینان کردن به آن ها بدون داشتن دغدغه و نگرانی که در جای خود ارزشمند بوده و رضایتمندی روستائیان را در پی دارد. از طرفی کیفیت روابط یا به تعبیری چگونگی روابط در گروه های انسانی از مقوله هایست که مورد توجه روستائیان بوده است. چگونگی مناسبات افراد یک گروه در حرکت هدفمند یک گروه انسانی، بسیار مهم و تاثیرگذار است. هرچه روابط مطلوب تر، پیامد های آن، دلپذیر تر است و این مهم در روابط روستائیان از

۲۰- از بین بردن علف های هرز را وجین گویند

۲۱- به پرورش نشاء جعبه ای باکس زدن گویند (باکس زدن از واژه های مورد استفاده خود روستائیان است)

چنان جایگاهی برخوردار است که از پیامد های آن، اطمینان به یکدیگر است. نبود اطمینان و حس اعتماد از دیدگاه روستائیان بسیار مساله آفرین و مشکل زاست که آثار کم رنگ شدن آن را بسیار گسترده می‌داند. از همین روی، لزوم آن را حیاتی دانسته‌اند و در پی بقاء آنند. آن‌ها مقوله یاریگری و کمک به یکدیگر را به عنوان عاملی تاثیر گذار در ظهور و استمرار حس اعتماد، پاس می‌دارند. روستائیان به دلیل طولانی بودن ساعات کار روزانه در روی زمین یا باغات، اوقاتی را برای استراحت و تجدید قوا اختصاص می‌دهند. در این میان آنچه بین جمع حاضر در هنگام خستگی بدر کردن، مورد تایید روستائیان بوده، حرف‌ها و صحبت‌هایی است که بدون دغدغه در بین اعضا رد و بدل می‌شود، به تعبیری به هم پیوستگی محل کار و محیط استراحت، چنان روستائیان را یکی نموده که به برکت همیاری و اطمینان به یکدیگر از ساعات در کنار هم بودن خرسندند.

عدم وابستگی به دولت: همراهی کردن روستائیان با یکدیگر و پیمان همیاری که در آغاز کار، بر دل هایشان نقش می‌بندد، همچنین استفاده از ظرفیت های درونی که ثمره و حاصل کمک به یکدیگر است روی پای خود ایستادن و متکی به خود بودن را افزایش می‌دهد؛ به گونه ای که روستائیان به این یقین رسیده‌اند که در مسیر به سرانجام رساندن محصولاتشان، همت و تلاش خود آنان دست مایه موفقیت آنان خواهد بود. عبارت " پشت در پشت هم بودن " در همیاری روستائیان معنا پیدا کرده و مشهود است. رسیدن به این عقیده که من تنها نیستم و هستند کسانی که یاریگرند، در جایگاه خود، روحیه ایستادگی و همت برای ادامه راه را دوچندان کرده، روحیه ای که از یقین اطمینان به جمع و همراهی آنان حاصل می‌آید و امیدواری را در دل روستائیان زنده نگه می‌دارد. در استان مرکزی، همیاری بر مبنای همیاری فامیلی است. وقتی صحبت از شروع کار می‌شود، اعضای خانواده حتی اگر در روستا هم زندگی نکنند، خود را به هنگام کار روی زمین و باغات به هم می‌رانند. اینجاست که حضور و وجود تک تک اعضای فامیل و همکاری آنان برای برداشت یک محصول، پشتوانه ای محکم برای همه همیاران می‌شود تا بتوانند به خود متکی بوده و از ثمرات معنوی و مادی این اتکاء بهره مند شوند. آنچه از صحبت های مصاحبه شونده‌گان بر می‌آید این است که انسجام و تکیه به خود داشتن که از راه با هم بودن‌ها و کمک حال یکدیگر بودن حاصل می‌شود، موضوع امروز نیست. این مهم سرمشقی به یادگار مانده از گذشته است که همیاران آن را راهنمای خود می‌دانند، آنچنانکه دست در دست هم با توکل بر خدا مسیر خود را هموار نموده و از برکت همیاری و با اتکا به خود، فردای خود را می‌سازند. نوآوری: بکارگیری ماشین آلات کشاورزی، خصوصا در مورد محصول گندم که مورد استقبال کشاورزان قرار گرفته و نیز استقبال از ایده های آبیاری جدید به انگیزه کاهش مصرف آب از مواردی است که بیانگر پذیرش روستائیان از ایده های تازه است، تجربه های دیگر کشاورزان نیز موجب شده روستائیان مخالفتی با طرح های جدید و نوبی کشاورزی نداشته باشند. بعضی از کسانی که برای همیاری در برداشت انگور به باغات می‌آیند، محل سکونت آن‌ها در شهرهاست، زندگی در شهر از نظر میزان کسب اخبار و اطلاعات گسترده‌تری دارد که این خود عاملی است که بعضی از همیاران از ایده های تازه و نوبی مطروحه، در امر کشاورزی اطلاعات بیشتری به دست آورده و دیگر اعضا همیار را در این خصوص آگاه و نیر ترغیب کنند. کشاورزان بهره‌گیری از طرح های نو را در میزان برداشت محصولات خود، موثر می‌دانند. جلوگیری از هدر رفتن محصول، استفاده از اقلام پرمحصول از دیدگاه کشاورزان با پذیرش ایده های تازه در خصوص کشاورزی، قابل تحقق است، که نه تنها از طرف همیاران مخالفتی در این باره وجود ندارد، بلکه بهره‌مندی از آن را مایه سرفرازی می‌دانند. از آثار و پیامدهای همیاری و فعالیت و کار، همفکری و خطوط ایده های جدید به ذهن کشاورزان همیار می‌باشد. در خصوص مقوله نوآوری گفتنی است، هستند کشاورزانی که خود دارای طرح و ایده هستند اما آنچه قابل توجه است، اینست که صرفا یک ایده نمی‌تواند به تنهایی کاری از پیش ببرد، بعضی از طرح‌ها نیاز به حمایت مالی یا نیاز به مشارکت بعضی از دستگاه‌های اجرایی دارند که از این بابت روستائیان، اقدامات نهاد های مرتبط را ناکافی و منفعل دانسته و در این خصوص ابزار ناراحتی می‌کنند. به هر روی یافته‌ها حکایت از آن دارد که روحیه همکاری کردن با یکدیگر، در قبال یکدیگر منفعل نبودن، احساس مسئولیت داشتن و یکپارچه و همدل بودن از گذشتگان و نسل به نسل همچون میراثی گرانبها به روستائیان امروزی رسیده، بنابراین در کنار استقبال از طرح

های جدید تلاش برای حفظ این روحیه و سنت از دغدغه های روستاییان می باشد ( چرا که همراهی دو مقوله مذکور فواید مطلوب تری را به همراه خواهد داشت.

### تجزیه و تحلیل

مقوله یاوردهی در بخش زراعت در بعضی از روستاهای گیلان، همچنان در حال انجام و قابل مشاهده است اما در برخی از روستاها به دلیل ورود ماشین آلات کشاورزی، در مرحله نشاء کم رنگ شده یا در بعضی روستاها منسوخ شده است. حال با نگرش به اینکه مصاحبه های انجام شده دارای الگویی نظری بوده اند، آثار و پیامدهای یاوردهی بدینگونه مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. از موارد الگو گرفته شده برای طرح سوال ها، یک بخش آن مربوط به چند عنصر مطروحه از دیدگاه راجرز در خصوص خرده فرهنگ دهقانی بوده است. در این خصوص با نگرش به پاسخ های مصاحبه شوندگان روستایی، آنچه قابل تامل است این است که این عناصر، همخوانی با عملکرد و کنش روستائیان نداشته و ندارد، چرا که روستائیان پیامد یاریگری را ایجاد همدلی و دوری از تک روی و فردیت دانسته و یکپارچگی و اتحاد خود را از آثار و نتایج یاوردهی دانسته اند. از طرفی، تسری این همدلی و اتحاد در بخش های غیرکشاورزی هم وجود داشته است. پذیرش استفاده از اقلام جدید محصول یا ماشین آلات جدید کشاورزی نیز که با عنوان نوآوری مطرح شده بود، با روحیه روستائیان هیچ منافاتی نداشته است، چرا که روستائیان در تبادل اطلاعاتی که هنگام کار روی زمین دارند، به نوعی محسنات بهره گیری از هر مقوله تازه ای را که دیگر افراد روستایی، آن را تجربه نموده اند، به یکدیگر منتقل کرده و اطلاع رسانی می کنند که در جایگاه خود، بعد تبلیغاتی دارد. از طرفی یاریگری، نه تنها در وابسته نبودن روستائیان به نهاد های رسمی موثر بوده، بلکه باعث شده روستائیان بیشتر به خودشان تکیه کنند و اتکاء به خودشان داشته باشند. مورد با اهمیت دیگری که از پیامدهای یاریگری می باشد، حس اعتماد به یکدیگر در روستائیان است، حضور افراد دل داده به کار و بی توقع، حس مذکور را تقویت می کند. درست است که ورود به یاریگری خود مستلزم اعتماد کردن است، اما پس از انجام کار گروهی، این حس اعتماد مضاعف می شود.

در استان مرکزی، تحقیقات میدانی حکایت از آن دارد که همیاری در بخش زراعت که قبلا و در سال های گذشته بیشتر در خصوص محصول گندم، قابل مشاهده بود، تقریباً منسوخ شده و در برخی موارد بصورت بسیار محدود و در مناطق کوهپایه ای و ناهموار آن هم به صورت خانوادگی یا فامیلی انجام می شود و در دیگر موارد برداشت این محصول از طریق ماشین آلات کشاورزی و کارگر دستمزد بگیر قابل مشاهده است. اما در خصوص محصولاتی چون جو، ماش، عدس و نخود و خصوصاً برداشت انگور که به باغ چیدن معروف است، مقوله همیاری به صورت خانوادگی و در بعضی موارد همسایگی، وجود دارد. با نگرش به مطالب مطروحه و با توجه به سوال های مصاحبه که برگرفته شده از چارچوب نظری بوده اند وجود همدلی و انسجام که حاصل همیاری ها بوده است، در سخنان روستائیان به وفور مطرح گردیده است و این مقوله را با نگرش به بعضی از موارد مطروحه همیاران می توان مستند دانست از جمله اگر کدورتی بین اقوام باشد، همین همراهی ها باعث می شود آن ها را دور بریزیم یا ما در همه کارها همدل هستیم، اگر تأثیری نداشت (ایجاد همدلی) که باهم همکاری نمی کردیم. همچنین در خصوص پذیرش نوآوری نگرش روستائیان به گونه ای بوده است که در مواردی خود آن ها نیز پیشنهاد دهنده ایده های جدید بوده اند و در سخنان خود با بیان چیز خوب را می پذیریم، استقبال از نوآوری را مورد تأکید قرار داده اند. در خصوص اعتماد به یکدیگر نیز، مصاحبه های انجام شده حکایت از وجود حس اعتماد در روابط فی ما بین روستائیان دارد و این مقوله در جملاتی چون ناگفته هایی که به کسی تا کنون گفته نشده یا مسایلی که نیاز به مشورت داشته بارها در هنگام کار مطرح شده است، کاملاً مشهود بوده است؛ از طرفی تأثیر همیاری ها بر خوداتکایی کشاورزان نیز به نوبه خود قابل توجه بوده است، آن ها نه تنها از وابستگی به نهاد های رسمی و دولتی به دور بوده اند و به همت و تلاش خود امید دارند بلکه در تمامی مصاحبه ها از منتقدان عملکرد نهادهای کشاورزی بوده اند. حال با تامل در مطالب عنوان شده می توانیم این چنین تحلیل نماییم که آنچه در روحیات

و زندگی روستائیان همیار، قابل توجه است، این است که نگرش و منش آن ها با آنچه در عناصر مطروحه خرده فرهنگ دهقانی راجرز، از آن سخن به میان آمده، متفاوت بوده و کاملاً مغایر با آن است.

جدول شماره ۱- خلاصه پیامدهای تطبیقی اثرات و پیامدها با نگرش به مقوله عناصر خرده فرهنگ دهقانی راجرز در دو استان گیلان و مرکزی

پیامدهای تطبیقی	شواهد، استان مرکزی	شواهد، استان گیلان
حس همدلی و یکپارچگی در نزد همیاران دو استان گیلان و مرکزی که از آثار و پیامدهای یاوردهی و همیاری است به کرات عنوان شده و مشهود است.	در همدلی روستائیان، نوعی احساس مسئولیت وجود دارد. درک متقابل افراد از یکدیگر به عنوان یک امر مهم، تاثیر بسزایی در حفظ و افزایش همدلی روستائیان داشته است.	روستائیان پیامد یاریگری را ایجاد همدلی و دوری از تک روی دانسته اند و یکپارچگی و اتحاد خود را از آثار و نتایج یاوردهی دانسته اند.
با نگرش به شواهد موجود، حس اعتماد به یکدیگر در روستائیان هر دو استان به سبب همیاری ها وجود داشته و همیاران افزایش این مقوله را از آثار همیاری ها دانسته اند.	وجود اعتماد در روابط فامیلی مورد انتظار روستائیان است، اما کمک به یکدیگر در فضای کار و تلاش به نوبه خود پیامدهای مطلوبی دارد و آن وجود حس اعتماد به دیگری است	حضور افراد دلداده به کار و بی توقع محسوس اعتماد را تقویت می کند. ورود به یاریگری خود مستلزم اعتماد کردن است اما پس از انجام کار گروهی، این حس اعتماد مضاعف می شود.

ادامه جدول شماره ۱

پیامدهای تطبیقی	شواهد، استان مرکزی	شواهد، استان گیلان	مقوله محوری	رویکرد نظری
-----------------	--------------------	--------------------	-------------	-------------

عناصر خرده فرهنگ دهقانی راجرز	وابستگی به دولت	یاوردهی نه تنها در وابسته نبودن روستائیان به نهاد های رسمی موثر بوده، بلکه باعث شده روستائیان بیشتر به خودشان تکیه کنند و اتکا به خود داشته باشند.	رسیدن به این عقیده که من تنها نیستم، ایستادگی و همت روستائیان را برای ادامه راه دوچندان کرده است. روحیه ای که علاوه بر تشویق تکیه به خود، وابستگی را کاهش داده است.	شواهد موجود بیانگر آنست که روستائیان دو استان اتکاء به خود را از پیامدهای همیاری دانسته و چنین نگرشی را در عدم وابستگی به دولت، موثر می دانند.
عدم پذیرش نوآوری		روستائیان همیاردر تبادل اطلاعاتی دارند، به نوعی محسنات بهره گیری از هر مقوله تازه ای را که دیگر افراد روستایی آن تجربه نموده اند، به یکدیگر منتقل کرده و اطلاع رسانی می کنند.	کشاورزان بهره گیری از طرح های نو را در میزان برداشت خود موثر می دانند. همیاران از ایده های تازه و نو از طریق دیگر اعضاء همیار، آگاه و در این خصوص ترغیب نیز می شوند.	روستائیان دو استان نه تنها با پذیرش ایده های نو مخالفت ندارند، بلکه از آن استقبال نیز می نمایند و در این خصوص، همیاری را عاملی برای تبادل اطلاعات در این زمینه می دانند.

### نتیجه گیری و پیشنهادات

با نگرش به یافته ها، و با توجه و تامل در رویکرد نظری، که مرجع طرح سوال های مصاحبه بوده اند، آثار و پیامدهای خرده فرهنگ یاوردهی (همیاری) در روستاهای استان های گیلان و مرکزی مورد بررسی و تطبیق قرار گرفت. از جمله عناصر خرده فرهنگ دهقانی راجرز که در این پژوهش مد نظر قرار گرفت: فقدان همدلی، عدم اعتماد، وابستگی به دولت و عدم پذیرش نوآوری بود که با نگرش به یافته های تحقیق این نتایج حاصل گردید.

وجود همدلی و یکپارچگی به واسطه همیاری ها در روستائیان دو استان قابل تایید بوده و آن ها بارها با ذکر مثال هایی این مقوله را در منش و روند زندگی خود دارای جایگاه می دانند. شباهت های فکری و اخلاقی روستائیان که در همیاری ها شرکت می کنند، بُرونداد همیاری ها را به یکدل شدن و یکپارچگی پیوند می زند. این آثار باعث می شود تشنت و پراکندگی در نزد روستائیان، جایگاهی نداشته باشد و در روابط حاکم حاصله از یاوردهی ها، نگاه به خود، مذموم شمرده شود و در عوض نگاه به جمع و جمع گرایی در ذهن ها تسری یابد. فضای همیاری ها بگونه ایست که دلخوری ها و کدورت ها رنگ باخته و همبستگی و همدلی در روابط اعضاء همیار قوام می یابد؛ روستائیان دو استان در هنگام بروز مشکل، خنثی و بی تفاوت نبوده و در کنار یکدیگرند و این همه از فواید و آثار همیاری هاست. در خصوص عنصر اعتماد، قابل ذکر است که وجود اعتماد در روستائیان به واسطه همیاری ها، مورد انتظار بوده و اعتماد نسبت به یکدیگر با نگرش به همیاری ها مضاعف شده است. از طرفی نبود آن نیز برای چنین جماعتی، قابل تصور نیست.. در خصوص عنصر وابستگی به دولت قابل تأمل است که روستائیان از دیدگاه نظریه راجرز، انسان هایی وابسته اند که در گذران زندگی خود، نگاه به کمک های نهادها و به طور کلی دولت دارند اما در بررسی های انجام شده در خصوص روستائیان استان، این نتیجه حاصل شده است که از پیامدهای همیاری ها و کار جمعی بر روی زمین، ایجاد نگرش خود اتکایی است. روستائیان در امور زندگی و کار، متکی به خود هستند. سرمایه حاصله از



یاریگری‌ها موجب شده، روستائیان کمر همت بسته و با کمک به یکدیگر، روابط موجود در گروه را بیش از پیش حفظ کنند و در صورت بروز مشکل یا وجود مانع، با همراهی هم، آن را مرتفع نمایند. البته گفتنی است جدا از بحث بررسی پیامدهای همیاری، فحوای مصاحبه‌ها حکایت از آن دارد که روستائیان دو استان از عملکرد نهاد های مرتبط با کشاورزی و در نهایت عملکرد دولت نسبت به مقوله کشاورزی بسیار گله مند بوده اند. به هر حال با تأمل در موارد مطروحه در خصوص خود اتکایی روستائیان، رفتار و منش روستائیان در این خصوص هم با عنصر مطروحه راجرز، مبنی بر وابستگی به دولت، مغایر بوده است. از دیگر عناصر خرده فرهنگ دهقانی راجرز، عدم پذیرش نوآوری در قشر روستایی بوده است. در این خصوص با نگرش به یافته های تحقیق، چنین بر می آید که روستائیان دو استان در پذیرش ایده های نو و جدید، مخالفتی نداشته و از آن استقبال می کنند و در پذیرش نوآوری استفاده از ماشین آلات کشاورزی در کاشت و برداشت از مواردی بود که روستائیان به آن اشاره داشته اند. از طرفی روستائیان، همیاری‌ها را عاملی برای تبادل اطلاعات در خصوص اقلام نو و جدید می دانند. بنابر این می توان گفت در پیامدی دیگر، مغایرت نگرش روستائیان با عنصر عدم پذیرش نوآوری راجرز، به وضوح قابل تشخیص و آشکار است. از دیگر موارد قابل توجه یاوردهی‌ها در استان های گیلان و مرکزی، پیامد های اقتصادی آن بوده است، چرا که وجود افراد یاورده، نیاز به گارگر دستمزد بگیر را (با نگرش به روند متغیر و صعودی دستمزد ها) کاهش داده و این خود منجر به کاهش هزینه تمام شده محصولات شده است.

با نگرش به مطالب مطروحه و آنچنان که در بخش مبانی نظری نیز بیان شد، راجرز پیرامون مقوله موانع توسعه، عناصری را به عنوان خرده فرهنگ دهقانی مطرح نموده و معتقد است مجریان برنامه های توسعه روستایی، باید مکان و ویژگی های فرهنگی و جمعیتی گیرندگان برنامه های خود را به دقت در نظر داشته باشند. اما همانطور که پژوهش به عمل آمده مشخص نمود چهار عنصر مورد بررسی از خرده فرهنگ دهقانی راجرز، با نگرش ها، اعتقادات و رفتار روستائیان همخوانی نداشته و رویکرد روستائیان مانع توسعه نبوده بلکه در مواقعی زمینه ساز آن است.

در پایان پیشنهاد می شود:

۱- به انگیزه حفظ همیاری‌ها در بعدی دیگر، فعالیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی که زمینه هم اندیشی روستائیان و تبادل اطلاعات را فراهم می آورد، گسترده تر شود.

۲- بر تعداد و کیفیت جشنواره های روستایی که موجب گرد آمدن و همیاری کشاورزان در روند برگزاری می شود، افزوده گردد..

۳- بهره گیری از رسانه ای چون صدا و سیما (ساخت برنامه های متنوع) به انگیزه ترغیب فرهنگ مشارکت در روستاها مورد توجه جدی قرار گیرد.

۴- طرح ایجاد گروه های حافظ همیاری‌ها در زمینه های غیر کشاورزی در برنامه ریزی های روستایی لحاظ شود ( با نگرش به ورود ماشین آلات کشاورزی )

البته راهکارهای مروجین و دست اندرکاران کشاورزی در صورت وجود دغدغه از کاهش همیاری‌ها، در جایگاه خود با نگرش حیطه تخصصی، می تواند در خصوص حفظ همیاری‌ها، مؤثر واقع شده و راهگشا باشد.

دلایل کاهش همیارها (جدای از موضوع تحقیق و با نگرش به تحقیق میدانی)

دلایل کاهش همیاری ها یا منسوخ شدن آن ها در بعضی مناطق، که به نوعی، از دلایل اصلی به شمار می رود، عبارتند از:

- نبود حمایت های لازم از سوی نهادها به انگیزه حفظ فرهنگ تولید در بخش کشاورزی
- مهاجرت قشر جوان به شهرها به انگیزه تحصیل و در نگاهی دیگر، جاذبه های شهری
- ورود ماشین آلات کشاورزی

توضیح پایانی: پیشینه پژوهشی تطبیقی با این موضوع، در خصوص روستاهای استان گیلان و مرکزی مشاهده نشده است. جدول شماره ۲: خلاصه یافته ها بر حسب محتوای مصاحبه ها (استان گیلان)

رویکرد نظری	مقوله های محوری	پاسخ های ارایه شده
عناصر خرد فرهنگ دهقانی راجرز	فقدان همدلی	<ul style="list-style-type: none"> <li>• اگر اتحاد و همدلی و همکاری نباشد، ما هیچیم.</li> <li>• ما هم عقیده هستیم که برای سنت هایمان ( یاوردهی ) ارزش قایل باشیم</li> <li>• روستائیان یکدیگر را تنها نمی گذارند. ما از نظر فکری و اخلاقی بسیار شبیه به هم هستیم.</li> <li>• علاوه بر شادی و نشاطی که در یاوردهی وجود دارد، یک نوع همدلی و اتحاد هم دیده می شود.</li> <li>• یاریگری در بین ما ، حتی در زمینه برگزاری مراسم معنوی در مساجد با مسئولیت پذیری در انجام کارها نمود پیدا می کند که خود باعث همدلی بیشتر ما می شود.</li> </ul>
	عدم اعتماد	<ul style="list-style-type: none"> <li>• فرهنگ یاوردهی صددرصد در افزایش اعتماد بین روستائیان تاثیر زیادی دارد</li> <li>• در بیجار، هنگام یاریگری، همه گونه حرف ها و صحبت ها می شود. چرا؟ چون همه به یکدیگر، اعتماد دارند.</li> <li>• چون برای یاوردهی افراد خاصی انتخاب می شوند که از نظر فکری، شبیه هم هستند، به یکدیگر بسیار اعتماد دارند.</li> <li>• از طریق یاوردهی، ۱۸ جوان را صاحب خانه کردم، نه با هزینه خودم چون روستائیان من را قبول داشتند، این کار را به من سپردند.</li> <li>• ما نگرانی از اینکه درد دل های خود را بگوییم نداریم، چون به هم اطمینان داریم، چون روی یک زمین در شرایط سخت در کنار هم هستیم.</li> </ul>

ادامه جدول شماره ۲: خلاصه یافته‌ها بر حسب محتوای مصاحبه‌ها (استان گیلان)

رویکرد نظری	مقوله‌های محوری	پاسخ‌های ارایه شده
عناصر خرده فرهنگ دهقانی راجرز	وابستگی به دولت	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ما با این کار یاوردهی می‌گوییم: که روی پای خودمان می‌خواهیم بمانیم.</li> <li>• دست روستائیان به جایی نمی‌رسد همه به خودمان تکیه می‌کنیم.</li> <li>• برایمان مهم نیست که کمکی دولتی به ما برسد. محصول ما را خوب بخرند، خودمان کار خودمان را راه می‌اندازیم.</li> <li>• کشاورز، بیشتر به خودش تکیه دارد و در کمک به یکدیگر، روستائیان به یکدیگر وابسته هستند ( نه به دولت )</li> <li>• ما چشم انتظار کمک دولتی نمی‌مانیم. اگر منتظر کمک دولتی باشیم، کارها عقب می‌افتند.</li> </ul>
عدم پذیرش نوآوری		<ul style="list-style-type: none"> <li>• از راهنمایی‌های مروجین در خصوص اقلام برنج، ماشین آلات و بهره برداری بیشتر از زمین استفاده می‌کنیم.</li> <li>• زمانی که از ماشین‌نشاء در بعضی از روستاها استفاده می‌شود به نوعی، یاوردهی با ماشین هم انجام می‌شود.</li> <li>• ما با نوآوری مخالف نیستیم.</li> <li>• درست است که دستگاه‌نشاء در بعضی از زمین‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما ما بعد از نشاء، وجین هم داریم و ما در وجین، هم همان یاوردهی را انجام می‌دهیم، همینطور در نشاء جعبه‌ای هم یاوردهی انجام می‌شود.</li> <li>• هر چیز جدید و نو که برای کار ما خوب باشد، کنار نمی‌گذاریم چون نفع ما در آن است.</li> </ul>

جدول شماره ۳: خلاصه یافته ها بر حسب محتوای مصاحبه ها (استان مرکزی)

پاسخ های ارایه شده	مقوله های محوری	رویکرد نظری
<ul style="list-style-type: none"> <li>• ما در همه کارها همدل هستیم، وقتی مشکلی پیش می آید یا یک اتفاقی می افتد، همه جمع می شویم. ما حرف های همدیگر را خوب می فهمیم.</li> <li>• وقتی از نماز صبح تا غروب باهم هستیم، طبیعتا همدلی و باهم بودن ایجاد می شود.</li> <li>• وقتی برای کمک به ما می آیند، به شدت ما را امیدوار می کند. حال ما بهتر می شود و قطعا روی اتحاد ما تاثیر دارد.</li> <li>• اگر تاثیری نداشت ( ایجاد همدلی ) که باهم کار نمی کردیم.</li> <li>• باغ چیدن ( انگور چیدن ) مثل یک قرار می ماند، قراری نانوشته و از آن دید و بازدید ها تازه می شود و دل ها به هم نزدیک می گردد.</li> <li>• اگر کدورتی بین اقوام باشد، همین همراهی در باغ چیدن باعث می شود آن ها را دور بریزیم.</li> </ul>	فقدان همدلی	عناصر خرد فرهنگ
<ul style="list-style-type: none"> <li>• چون همه باهم نسبت داریم به نوعی اعتماد بین ما وجود دارد. اما این همکاری و همیاری باعث افزایش آن می شود.</li> <li>• در ایام برداشت روابط ما گرم تر و اخلاق ها نزدیکتر می شود و این خود به خود حس اعتماد را به وجود می آورد.</li> <li>• ما مشکلاتمان برای چیست؟ فردی حرفی را نمی تواند پیش خود نگه دارد آنوقت آن حرف برای یک طایفه یا یک محل مشکل می شود. اما همیاری این اعتماد را به وجود می آورد.</li> <li>• ما وقت استراحتمان نیز در کنار هم است، در این موقه آنچه گفته می شود، نشان می دهد به آن جمعی که آنجا بودند همه اعتماد دارند.</li> <li>• اعتماد وجود دارد چون اگر نبود نمی توانستیم همکاری مان را ادامه دهیم.</li> </ul>	عدم اعتماد	دهقانی راجرز

ادامه جدول شماره ۳: خلاصه یافته‌ها بر حسب محتوای مصاحبه‌ها (استان مرکزی)

رویکرد نظری	مقوله‌های محوری	پاسخ‌های ارایه شده
عناصر خرده فرهنگ دهقانی راجرز	وابستگی به دولت	<ul style="list-style-type: none"> <li>• باهم بودن روستائیان و اینکه کار را همزمان شروع می‌کنند، روحیه ای ایجاد می‌کند که اتکا به خود را بالا می‌برد. " ما سرمان در لاک خودمان است "</li> <li>• وقتی کسی وقت خود را در اختیار من می‌گذارد امیدوار هستم که کسی هست که من را تنها نمی‌گذارد.</li> <li>• ما خودمان هستیم که کار را پیش می‌بریم. ما دست مان را به زانوی خودمان می‌گذاریم و از خدا کمک می‌خواهیم این همان چیزی است از گذشته به ما رسیده.</li> <li>• وقتی برادری یا فامیلی کمک می‌کند، اتکا به خودمان بیشتر می‌شود. این روستایی است که بیشترین کمک را به دولت می‌کند. ما خدماتی از دولت نمی‌گیریم، این در حد حرف و عمل نمی‌شود.</li> </ul>
	عدم پذیرش نوآوری	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ما با نوآوری مخالف نیستیم، همانطور که در کشت و برداشت گندم از ماشین استفاده می‌کنیم یا نوع آبیاری با ایده جدید را بعضی‌ها انجام می‌دهند.</li> <li>• افرادی که برای باغ چیدن می‌آیند، اینطور نیست که فقر در روستا سکونت داشته باشند. وقتی این‌ها از ایده نویی با خبر می‌شوند، آن را به اطلاع دیگران می‌رسانند.</li> <li>• اگر باشد (نوآوری)، ما خیلی افتخار می‌کنیم، چون برداشت ما بیشتر می‌شود.</li> <li>• همه چیز خوب را می‌پذیریم (نوآوری) طرح نو هم داریم ولی وقتی حمایت نمی‌کنند ناامید می‌شویم (پاسخ روستائیان که خودشان نیز دارای افکاری نوآورانه بودند)</li> <li>• استقبال می‌کنیم و اما در کنار همان روحیه سنتی مان.</li> </ul>

#### منابع

ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۷). مقدمه ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، تهران، انتشارات اطلاعات.

- پیراهری، نیر؛ (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی در نظریات جدید، تهران، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۳. ص ۱۱۱-۱۱۰.
- توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه؛ (۱۳۸۲). سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تاکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، تهران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، ص ۶.
- جلایی پور، حمیدرضا، محمدی جمال (۱۳۸۷). نظریه های متأخر جامعه شناسی. چاپ دوم، تهران: نشر نی
- ذکایی، محمدسعید؛ (۱۳۸۱) خرده فرهنگ، سبک زندگی و هویت، تهران، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲۱-۲۰.
- روح الامینی، محمود، (۱۳۸۶) مبانی مردم شناسی، تهران، انتشارات پیام نور.
- روشه، گی (۱۳۶۷). کنش اجتماعی، هما زنجانی زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی
- ریتزر، جورج، (۱۳۸۴) نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- سعادت، رحمان؛ (۱۳۸۶) تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳. ص ۱۷۷.
- سیدمن، استیون؛ (۱۳۸۸) کشاکش آراء در جامعه شناسی، هادی جلیلی، تهران، تهران، نشر نی.
- شرفی، محمدرضا و خشکاب، شهربانو (۱۳۸۸). بررسی متقابل فرهنگ و تکنولوژی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۳۴ و ۳۳
- شفرز، برنهارد (۱۳۸۳). مبانی جامعه شناسی جوانان، کرامت الله راسخ، تهران: نشر نی
- فرهادی، مرتضی، (۱۳۸۵) فرهنگ یاریگری در ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷) جامعه شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ بیست و دوم.
- مور، ویلبرت (۱۳۸۱) تغییرات اجتماعی، پرویز صالحی، تهران، انتشارات سمت.
- نولان، پاتریک (۲۰۱۳) مقدمه ای بر جامعه شناسی کلان، ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰

Chong. K C & etal, (1984) Milkfish Production Dualism in the Philippines: A Multidisciplinary Perspective on Continuous Liw Yields and Constraints to Aquaculture Development. Food and agriculture Organization of the united nations. Romt. ITALY

Dornier. P. (1972) Land Reform and Economic Development. Pengvinbook

Lehman, David, (ed) (1979) Development theory ; four critical studies, London

Comparative study of the effects and consequences of the " Yavardehi " subculture In the villages of Guilan and markazi provinces. Emphasizing on some elements of Rogers' peasant subculture